

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۰، بهار ۱۴۰۱
صفحات: ۸۱-۹۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰
نوع مقاله: پژوهشی

راهبرد جامعه‌شناسی در تحقق مشارکت اجتماعی زنان در استان گلستان

مرجان نوری*

چکیده

امروزه فرآیند توسعه و بالاجه توسعه پایدار مهم‌ترین دغدغه و نگرانی مسئولان اکثر کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌گردد و بیش از همیشه باور بر این است که باید مردم را ورای قومیت، نژاد، مذهب و جنسیت، مهم‌ترین سرمایه هر کشور و ذی‌نفعان و عاملان حقیقی توسعه در نظر گرفت. این امر به نوبه خود مستلزم به کارگیری استعدادها و توانمندی‌های انسانی از یک سو و مشارکت فعالانه و مستمر افراد جامعه در مراحل مختلف توسعه، از سوی دیگر است. از این منظر واژه مشارکت با طرح مقوله توسعه از دهه ۱۹۴۰ میلادی مطرح و از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی دنبال شده و بالآخره در دهه ۱۹۷۰ میلادی با شکل‌گیری واژه توسعه پایدار مفهوم وسیعی به خود گرفت، به طوری که مشارکت را وسیله توسعه به شمار آوردند. حال باید دید میزان مشارکت زنان در کشور ایران به چه چیزهایی بستگی دارد؟ آیا راهکارهایی برای بهبود افزایش آن وجود دارد؟ مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵ در ایران زنان به منزله نیمی از جمعیت، فقط ۱۷/۱۹ درصد از شاغلان محسوب می‌شوند و هم‌چنان منبع بکر توسعه تلقی می‌شوند. حضور زنان ایرانی در ساختار مدیریتی، اجرایی و سیاسی کشور به مراتب محدودتر از مشارکت اقتصادی آنان است. در تحقیق حاضر با مطالعه موردی استان گلستان به آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها

مشارکت زنان، اجتماعی، مشاغل، استان گلستان.

* هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول)

marjannory@yahoo.com

مقدمه

امروزه، بر همگان روشن است که مشارکت زنان بعنوان نیمی از جمعیت در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیش نیاز توسعه پایدار در تمام کشورها می باشد. در جهان کنونی نیل به اهداف توسعه همه جانبه و پایدار بدون بهره گیری از توانایی های زنان امری غیرممکن است. زنان نه تنها موضوع توسعه هستند بلکه اهرم موثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار میروند. بنابراین تجهیز این منبع مهم و به کارگیری صحیح و مطلوب آن نیل به اهداف توسعه را آسان تر می نماید. از طرفی می توان گفت مشارکتی که موجب حل برخی از مشکلات در کشورهای صنعتی شده است، مشارکت فقط صرف مردان نبوده است، بلکه زنان نیز در کنار مردان فرصت مشارکت داشته اند. به هر حال یکی از علل توسعه یافتگی کشورهای توسعه یافته، مشارکت همه اقشار جامعه به ویژه زنان در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و کشورهای در حال توسعه به منظور رسیدن به توسعه پایدار، بایستی از زنان به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه استفاده کنند. بر اساس آمارهای رسمی، نیمی از جمعیت جامعه ایران یعنی ۴۹ درصد جمعیت را زنان تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۵) که تحقق توسعه همه جانبه در کشور جز با بکار گرفتن همه نیروهای اجتماعی از جمله زنان امکان پذیر نیست.

با نگاهی به تاریخ معاصر ایران، گرچه زنان نقش فعال و سازنده ای در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... داشتند که این حضور در مقاطعی بسیار جدی و در دوره هایی رو به ضعف نهاده و کم رنگ شده است، اما شاخص های مربوط به توسعه مشارکت زنان در مقایسه با توانمندی های زنان هم چنان فاصله قابل توجهی است که ضرورت زمینه سازی بیش تر دست اندرکاران اداره ای امور کشور در خصوص توسعه مشارکت زنان و بهره مندی جامعه از توانمندی های آنان را مطرح می نماید. به همین سبب این پژوهش در پی شناسایی میزان مشارکت اجتماعی زنان و تبیین موانع جامعه شناختی آن در میان اقوام استان گلستان است، بنابراین با توجه به مراتب فوق، پژوهش حاضر با محوریت پاسخ به سوال زیر انجام می شود:

میزان مشارکت اجتماعی زنان در جوامع چقدر می باشد؟ چه موانع جامعه شناختی در تحقق مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد؟ و چه عواملی مانع مشارکت اجتماعی زنان می شود؟

۱- تعریف مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی فرایندی است. مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به عنوان عضو جامعه، در صحنه های اجتماعی و ایفای نقش یا نقش های اجتماعی که به وی محول می شود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بروزمی کند. (کردی، ۱۳۸۶: ۷۵).

مشارکت اجتماعی، شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه است که برآیند آن توسعه و بهتر شدن زندگی و حیات اجتماعی است. مقید نمودن تعریف مشارکت اجتماعی به خصایص شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه، این نوع فعالیت ها را از فعالیت های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن بر تبعیت نیاندیشیده و تحمیلی و از قیود سنت ها و تعین های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشد، جدا می کند. در واقع مشارکت اجتماعی، مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و جمعی عاملان خصوصی در حوزه عمومی است، که از طریق کنش های متقابل مستقیم و غیرمستقیم شهروندان در مقیاس وسیع با فعالیت های محلی، نهادهای جامعه مدنی، دولت و ... به منظور نفوذ تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم گیری ها و یا تعقیب اهداف عمومی تحقق می یابد. (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۳)

هم چنین مشارکت اجتماعی، شرکت در یک زمینه اجتماعی که در آن افراد به فعالیت های اجتماعی در تعدادی از شبکه های اجتماعی رسمی و غیررسمی می پردازند، می باشد. اسپنسر بیان می کند که جامعه خود به خود جامعه نمی شود مگر به مشارکت. از نظر او علت اصلی تحقق یک جامعه منسجم، وجود مشارکت اجتماعی است و مشارکت نهادی یعنی تثبیت و تحقق نهادهای مشارکتی و زمینه لازم برای ایجاد ارزش هایی چون تعاون، هم یاری، مسئولیت پذیری، توجه به افکار و از همه مهم تر ایجاد حوزه های عمومی برای برون ریزی ذهنیت ها، ارزش ها، عقاید و تضارب اندیشه ها، دیدگاه ها و نظریات (تیموری، ۱۳۸۵: ۵۱).

"مشارکت اجتماعی به رشته ای از فعالیت های گوناگون و متفاوت دلالت دارد که برخی اوقات به سازمان سیاسی یک جامعه محدود می شود و اغلب با دخالت افراد در محله یا اجتماع بلافاصل آن ها ارتباط پیدا می کند. مشارکت اجتماعی در گرو سطح معینی از خودمختاری افراد، برخوردار از زمان و گرایش داشتن به موضوع است که مردمان زیادی که با اشکال گوناگون فقر و روبرو می باشند از آن برخوردار نیستند". (جباری، ۱۳۸۰: ۲۳۶)

۲- عوامل کاهش و افزایش مشارکت زنان

۲-۱- عوامل کاهش مشارکت

۱. نقش شغلی زنان به عنوان نقشی جدید در مقایسه با نقشهای سنتی همسری و مادری زنان مطرح و برای آن پیامدهای مثبت و منفی بر شمرده میشود. عوامل متعددی میتوانند بر احراز نقش شغلی زنان یا عدم آن و ادامه یا ترک آن مؤثر واقع شوند؛ از جمله این عوامل میتوان موارد زیر را بر شمرد: اولویت دادن به نقشهای سنتی در مقابل نقش جدید شغلی زنان در جامعه و فرهنگ ایرانی و بهویژه اهمیت آن در دیدگاه زنان،

وجود نگرش منفی مردان نسبت به نقش شغلی زنان و تأثیر عمده ممانعت‌های برخی مردان از شروع به کار یا ادامه اشتغال همسرانشان، شرایط نابرابری شغلی و درآمد زنان و مردان در بازار کار، ابراز ناخرسندی شوهران نسبت به کارکردن زنان شاغل، احساس تعارض نقش در مورد مادران شاغل که در نتیجه شرایط اجتماعی فرهنگی مذکور پدید آمده و بعضاً منجر به مشکلات سلامت روانی و جسمانی برای زنان شاغل می‌گردد. «در فرهنگ جامعه ایرانی بر نقش‌های سنتی تأکید ویژه‌ای وجود دارد و از جمله اهداف فرهنگ جامعه ما در مورد زنان، مادر خوب و همسر خوب بودن است.

۲- بسیاری از زنان ایرانی نقش مادری را مهمترین نقش خود در زندگی میدانند. چنین تفکری به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی نظیر موقعیت زنان سرپرست خانوار تشدید می‌گردد. هنوز این تفکر غالب در میان مردم وجود دارد که: گرچه زن امروزین با فعالیتهای اجتماعیاش میکوشد تا ارزشها و قابلیت‌های حقیقی خویش را تحقق بخشد، لیکن این امر نمیبایستی به سهل انگاری وی در مورد نقش‌های اصلی اش که همانا همسری و مادری است، بینجامد. در نظر آنها یک مادر شاغل در واقع یک زن خانهدار است که مهمترین مسئولیت‌هایش همچنان همسری و مادری است. اشتغال زنان هنوز در بسیاری از جوامع از جمله ایران در نظر بسیاری با دیدی منفی و انتقادی نگریسته میشود. از سوی دیگر به دلیل نیازی که جامعه به کار زنان در مشاغل که زنانه نامیده میشوند از قبیل معلمی و پرستاری دارد، زنان همچنان به فعالیت و ایفای نقش‌های اجتماعی خود ادامه میدهند. در کل به نظر میرسد زندگی زنان در جامعه ایرانی تا حدود زیادی از رفتار، طرز تفکر و نگرش مردان پیرامونشان تأثیر میپذیرد؛ خواه پدر خانواده که بر میزان و نوع تحصیلات دخترش و یا ازدواج غالباً زودرس او ناظر است، خواه شوهر که نظرش در زمینه ادامه تحصیل همسر، دامنه فعالیت اجتماعی و احراز شغل از سوی او یا عدم آن، تعیین کننده مینماید به ویژه که در قوانین ایران شوهر قادر است از اشتغال به کار همسرش جلوگیری کند. با تأکیدی که در جامعه و نیز خانواده بر تفکیک نقش‌های زن و مرد وجود دارد و نیز احساس گناه و تقصیری که برای برخی از مادران شاغل تصور کوتاهی نسبت به انجام وظایف مهمتر پدید می‌آید میتواند آنها را به سمت ترک شغل یا کاهش فعالیت و انجام کارهای پاره وقت یا نیمه وقت که کارایی پایینی دارد سوق دهد» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۵: ۸۵).

۲-۲- عوامل افزایش مشارکت زنان

۲-۲-۱- مسأله مهم و قابل توجه در فراگرد مشارکت سیاسی و اجتماعی، جامعه پذیری سیاسی است. جامعه پذیری سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند. این فرایند، زنان را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی، سازگار میکند و

همچنین استعدادها، مطلوبیتهای اجتماعی ضروری و خصوصاً نقشهای اجتماعی را که زنان باید در جامعه ایفا کنند به آنان می آموزد و در نتیجه آنان را مهیای حضور در میدانهای مختلف اجتماعی میسازد. ۲-۲-۲- آموزش، مهمترین رکن مشارکت سیاسی و اجتماعی و نهایتاً توسعه یک جامعه میباشد. کلیدیترین عنصر در توسعه یک جامعه، مردم آن جامعه یعنی مردان و زنان آن هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند. ۲-۲-۳- شخصیت زنان از طرف جامعه، دولت و دیگر سازمانهای اجتماعی مورد توجه منطقی و معقول قرار گیرد و به آنها اهمیت داده شود تا صاحب شخصیت، فکر و خلاقیت شوند. اگر زنان به تناسب امکاناتی که فضای فکری جامعه، نظام آموزشی فرهنگ سیاسی، فرهنگ خانواده و برنامه ریزی عمومی که در اختیار آنها میگذارد به کشف استعدادها، ارتقای اعتماد به نفس، عادت به تفکر و اعتلای شخصیت خود بپردازند، طبیعی است که زمینه های مناسبتری برای مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان فراهم خواهد آمد. (نیاکانی فر، ۱۳۸۰).

۳- آزمون فرضیات

۳-۱- آزمون فرضیات اصلی آماری

در پژوهش حاضر چهار فرضیه اصلی مطرح شده است:

۱. موانع ساختاری پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۲. موانع اجتماعی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۳. موانع فرهنگی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۴. موانع شخصیتی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

برای آزمون فرضیات فوق از رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر است:

مقدار همبستگی کل	ضرب تعیین	ضرب تعیین تعدیل شده	مقدار آنالیز واریانس
۰,۳۸۸	۰,۱۵۱	۰,۱۴۴	۲۲,۵۵۴
متغیرهای مستقل	مقدار تأثیر غیراستاندارد	مقدار تأثیر استاندارد	مقدار t
موانع اجتماعی	۰,۰۰۹	۰,۰۰۷	۰,۱۱۶
موانع فرهنگی	۰,۱۹۱	۰,۲۲۸	۳,۸۳۹
موانع ساختاری	۰,۰۳۴	۰,۰۲۵	۰,۵۰۶
موانع شخصیتی	۰,۲۷۹	۰,۲۱۵	۳,۸۰۸

بر اساس جدول فوق مشخص است چهار متغیر مستقل اصلی، به میزان ۳۹ درصد با متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی رابطه دارند. از سوی دیگر توانسته‌اند ۱۴ درصد تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. همچنین مدل رگرسیونی نیز برازندگی لازم را دارا می‌باشد. اما مقادیر تأثیر نشان می‌دهد دو متغیر موانع فرهنگی به میزان ۰,۲۳ و موانع شخصیتی به میزان ۰,۲۱ بر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. پس از چهار فرضیه دو مورد تأیید و دو مورد رد می‌شود.

۳-۲- آزمون فرضیات فرعی آماری

در پژوهش حاضر فرضیه‌های فرعی چندی مطرح شده است، که طبق روش بهینه به بررسی آنها پرداخته شده است.

مشارکت غیر رسمی در زنان اقوام استان گلستان بیش تر از مشارکت رسمی است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون آماری مقایسه میانگین در دو گروه همبسته استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول زیر است:

میانگین از ۵	انحراف معیار	مقدار همبستگی	مقدار t	معناداری
۰,۸۷	۱,۲۵	۰,۵۳	۲۲,۲۰	۰,۰۱
۲,۰۰	۱,۱۱			

بر اساس این جدول مشخص است اول میزان مشارکت غیررسمی بیشتر از رسمی بوده و در ثانی این اختلاف با توجه به مقدار آزمون و سطح خطای آن، معنادار است. پس این فرضیه فرعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. در زیر تعدادی از فرضیات فرعی که ذیل شاخص موانع اجتماعی تعریف شده است آورده شده و برای بررسی آنها نیز از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در ادامه نتایج بررسی این فرضیات ارائه می‌گردد.

۱. اعتماد اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۲. امنیت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۳. تفاهم اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۴. توانمندسازی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۵. انعطاف‌پذیری پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۶. استفاده از رسانه پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۷. همبستگی اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۸. مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

جدول زیر نتایج بررسی این فرضیات را نشان می‌دهد.

مقدار همبستگی کل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار آنالیز واریانس
۰,۳۵۹	۰,۱۲۹	۰,۱۱۵	۹,۳۳۳ ۰,۰۱
متغیرهای مستقل	مقدار تأثیر غیراستاندارد	مقدار تأثیر استاندارد	مقدار t معناداری
اعتماد اجتماعی	۰,۱۳۹	۰,۱۴	۲,۴۳۵ ۰,۰۱۵
امنیت اجتماعی	۰,۰۱	۰,۰۱۴	۰,۲۳۷ ۰,۸۱۲
تفاهم اجتماعی	۰,۰۲۱	۰,۰۲۶	۰,۴۶۹ ۰,۶۳۹
توانمندسازی	۰,۰۰۹	۰,۰۱۱	۰,۱۹۶ ۰,۸۴۵
انعطاف پذیری	۰,۰۹۲	۰,۱	۲,۱۰۳ ۰,۰۳۶
استفاده از رسانه	۰,۱۸۳	۰,۲۱۹	۴,۷۰۸ ۰,۰۱
همبستگی اجتماعی	۰,۰۸۳	۰,۰۹۹	۱,۷۴۸ ۰,۰۸۱
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰,۰۸۴	۰,۱۱۷	۲,۰۲۴ ۰,۰۴۳

بر اساس جدول فوق مشخص است ابعاد موانع اجتماعی، به میزان ۳۶ درصد با متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی رابطه دارند. از سوی دیگر توانسته‌اند ۱۱ درصد تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. همچنین مدل رگرسیونی نیز برازندگی لازم را دارا می‌باشد. اما مقادیر تأثیر نشان می‌دهد متغیرهای اعتماد اجتماعی به میزان ۰,۱۴، انعطاف‌پذیری به میزان ۰,۱۰، استفاده از رسانه به میزان ۰,۲۲ و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به میزان ۰,۱۲ بر مشارکت اجتماعی مؤثر بوده و بقیه متغیرهای این شاخص مؤثر نیستند.

در زیر ابعاد شاخص موانع فرهنگی در قالب فرضیاتی آورده شده و برای بررسی آنها نیز از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در ادامه نتایج بررسی این فرضیات ارائه می‌گردد.

۱. تغییر هنجارها پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
۲. تغییر ارزش‌های ذهنی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

جدول زیر نتایج بررسی این فرضیات را نشان می‌دهد.

مقدار همبستگی کل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار آنالیز واریانس
۰,۳۵۵	۰,۱۲۶	۰,۱۲۲	۳۶,۷۳۶ ۰,۰۱
متغیرهای مستقل	مقدار تأثیر غیراستاندارد	مقدار تأثیر استاندارد	مقدار t معناداری
هنجار اجتماعی	۰,۰۴۵	۰,۰۵۴	۰,۷ ۰,۴۸۴
ارزش‌مندی فرهنگی	۰,۳۱۳	۰,۴	۵,۱۳۹ ۰,۰۱

بر اساس جدول فوق مشخص است دو بعد موانع فرهنگی، به میزان ۳۵ درصد با متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی رابطه دارند. از سوی دیگر توانسته‌اند ۱۲ درصد تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. همچنین مدل رگرسیونی نیز برازندگی لازم را دارا می‌باشد. اما مقادیر تأثیر نشان می‌دهد تغییر هنجاری پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی نیست ولی تغییر ارزش‌های فرهنگی به میزان ۰,۴۰ بر مشارکت اجتماعی تأثیر معنادار دارد.

در زیر تعدادی از فرضیات فرعی که ذیل شاخص موانع ساختاری (سیاسی) تعریف شده است، آورده شده و برای بررسی آنها نیز از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در ادامه نتایج بررسی این فرضیات ارائه می‌گردد.

۱. بیگانگی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

۲. بی‌معنایی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

۳. بی‌قدرتی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

جدول زیر نتایج بررسی این فرضیات را نشان می‌دهد.

مقدار همبستگی کل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	مقدار آنالیز واریانس
۰,۴۹۶	۰,۲۴۶	۰,۲۴۲	۵۵,۳۷۴
متغیرهای مستقل	مقدار تأثیر غیراستاندارد	مقدار تأثیر استاندارد	مقدار t
بیگانگی	۰,۲۶۵	۰,۳۱	۷,۶۹
بی‌قدرتی	۰,۳۳۸	۰,۳۲۶	۶,۴۵۱
بی‌معنایی	۰,۰۲۲	۰,۰۲۸	۰,۵۶۷

بر اساس جدول فوق مشخص است ابعاد موانع سیاسی، به میزان ۵۰ درصد با متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی رابطه دارند. از سوی دیگر توانسته‌اند ۲۴ درصد تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. همچنین مدل رگرسیونی نیز برازندگی لازم را دارا می‌باشد. اما مقادیر تأثیر نشان می‌دهد متغیرهای بیگانگی به میزان ۰,۳۱ و بی‌قدرتی به میزان ۰,۳۳ بر متغیر مشارکت اجتماعی مؤثر بوده ولی بی‌معنایی نتوانسته است آن را پیش‌بینی نماید.

در زیر تعدادی از فرضیات فرعی که ذیل شاخص موانع شخصیتی تعریف شده است آورده شده و برای بررسی آنها نیز از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در ادامه نتایج بررسی این فرضیات ارائه می‌گردد.

۱. احساس تعلق پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

۲. آگاهی اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

۳. عدالت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

۴. آزادی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
 ۵. انگیزه پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.
 ۶. اثربخشی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.

جدول زیر نتایج بررسی این فرضیات را نشان می‌دهد.

مقدار همبستگی کل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	مقدار آنالیز واریانس
۰,۴۱۹	۰,۱۷۶	۰,۱۶۶	۱۷,۹۷۷
متغیرهای مستقل	مقدار تأثیر غیراستاندارد	مقدار تأثیر استاندارد	مقدار t معناداری
احساس تعلق	۰,۱۰۳	۰,۱۴۷	۳,۰۰۹
آگاهی اجتماعی	۰,۱۱۹	۰,۱	۲,۰۸۶
عدالت اجتماعی	۰,۱۰۲	۰,۱۶۱	۲,۹۷۱
آزادی	۰,۰۴۵	۰,۰۷۴	۱,۴۵۱
انگیزه	۰,۱۶۲	۰,۲۳۲	۳,۶۸۲
اثربخشی	۰,۰۲	۰,۰۲۸	۰,۴۷۴

بر اساس جدول فوق مشخص است ابعاد موانع شخصیتی، به میزان ۴۲ درصد با متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی رابطه دارند. از سوی دیگر توانسته‌اند ۱۷ درصد تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. همچنین مدل رگرسیونی نیز برازندگی لازم را دارا می‌باشد. اما مقادیر تأثیر نشان می‌دهد متغیرهای احساس تعلق به میزان ۰,۱۵، آگاهی اجتماعی به میزان ۰,۱۰، عدالت اجتماعی به میزان ۰,۱۶ و انگیزه به میزان ۰,۲۳ بر متغیر مشارکت اجتماعی مؤثر بوده و پیش‌بینی‌کننده آن است. از سوی دیگر آزادی و اثربخشی تأثیرگذار و پیش‌بین نیستند.

۳-۳- آزمون فرضیات جمعیت‌شناختی

در پژوهش حاضر فرضیه‌های جمعیت‌شناختی چندی مطرح شده است، که طبق روش بهینه به بررسی آنها پرداخته شده است.

۱. مشارکت اجتماعی با طبقه اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.
۲. مشارکت اجتماعی با تحصیلات زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.
۳. مشارکت اجتماعی با درآمد زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.
۴. مشارکت اجتماعی در قومیت‌های مختلف زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد.
۵. مشارکت اجتماعی در شغل‌های مختلف زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد.

۶ مشارکت اجتماعی در وضعیت تأهل زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد. جدول‌های زیر نتایج بررسی این فرضیات را نشان می‌دهد. به طوریکه سه فرضیه از نوع رابطه‌سنجی بوده و با پیروان بررسی شده است ولی سه فرضیه بعد با آزمون مقایسه میانگین در بین گروه‌های مختلف مورد آزمون قرار گرفته است.

درآمد ماهیانه		سن		تحصیلات		
معداری	مقدار همبستگی	معداری	مقدار همبستگی	معداری	مقدار همبستگی	
۰,۰۶	۰,۰۹	۰,۲۲	۰,۰۶	۰,۰۱	۰,۲۲	مشارکت رسمی
۰,۶۳	۰,۰۲	۰,۵۹	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۲۴	مشارکت غیررسمی
۰,۳۳	۰,۰۴	۰,۳۹	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۲۶	مشارکت اجتماعی

بر اساس این جدول مشخص است، صرفاً متغیر تحصیلات با مشارکت ارتباط دارد به طوریکه هرچه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، میزان مشارکت رسمی (۰,۲۲)، غیررسمی (۰,۲۴) و شاخص کل مشارکت (۰,۲۶) افزایش می‌یابد. متغیرهای سن و درآمد رابطه‌ای ندارند.

مشارکت اجتماعی		مشارکت غیررسمی		مشارکت رسمی		
۱,۱۸	۱,۸۸	۰,۷۵	آذری، ترکی	قومیت		
۱,۲۱	۱,۹۸	۰,۴۸	بلوچی			
۱,۲۰	۱,۹۲	۰,۶۶	ترکمنی			
۱,۷۴	۲,۵۲	۱,۷۰	سیستانی			
۱,۳۲	۲,۰۰	۰,۸۴	فارسی			
۱,۳۵	۱,۸۱	۱,۱۷	سایر			
F=2.289-Sig=0.045	F=1.673-Sig=0.139	F=3.929-Sig=0.01	معداری			
۱,۵۲	۲,۱۶	۱,۲۳	مجرد	تأهل		
۱,۲۶	۱,۹۵	۰,۷۵	متأهل			
۱,۱۶	۱,۹۷	۰,۶۹	بدون همسر			
F=5.369-Sig=0.005	F=1.833-Sig=0.161	F=7.476-Sig=0.01	معداری			
۱,۴۱	۲,۰۶	۱,۰۴	شاغل	وضعیت شغلی		
۱,۰۳	۱,۷۳	۰,۳۸	خانمدار			
۱,۵۶	۲,۴۰	۱,۱۰	جویای کار			
۱,۵۶	۲,۱۹	۱,۳۶	بیکار			

۱,۳۲	۲,۰۰	۰,۸۷	کل	
F=12.061-Sig=0.01	F=6.699-Sig=0.01	F=14.259-Sig=0.01	معناداری	

بر اساس این جدول مشخص است میزان مشارکت در بین قومیت‌های مختلف، وضعیت تأهل مختلف و وضعیت شغلی متنوع، با هم اختلاف معنادار دارد و لذا سه فرضیه دیگر نیز تأیید می‌شود. در ادامه خلاصه بررسی فرضیات تحقیق آورده شده است:

ردیف	عنوان فرضیه	نتیجه
۱	موانع ساختاری پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۲	موانع اجتماعی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۳	موانع فرهنگی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۴	موانع شخصیتی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۵	مشارکت غیر رسمی در زنان اقوام استان گلستان بیش تر از مشارکت رسمی است.	تأیید
۶	اعتماد اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۷	امنیت اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۸	تفاهم اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۹	توانمندسازی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۱۰	انعطاف‌پذیری پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۱	استفاده از رسانه پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۲	همبستگی اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۱۳	مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۴	تغییر هنجارها پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۱۵	تغییر ارزش‌های ذهنی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۶	بیگانگی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۷	بی معنایی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد
۱۸	بی قدرتی پیش بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۱۹	احساس تعلق پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۲۰	آگاهی اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۲۱	عدالت اجتماعی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	تأیید
۲۲	آزادی پیش‌بینی کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	رد

تأیید	انگیزه پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	۲۳
رد	اثربخشی پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان است.	۲۴
رد	مشارکت اجتماعی با طبقه اجتماعی زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.	۲۵
تأیید	مشارکت اجتماعی با تحصیلات زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.	۲۶
رد	مشارکت اجتماعی با درآمد زنان در میان اقوام گلستان رابطه دارد.	۲۷
تأیید	مشارکت اجتماعی در قومیت‌های مختلف زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد.	۲۸
تأیید	مشارکت اجتماعی در شغل‌های مختلف زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد.	۲۹
تأیید	مشارکت اجتماعی در وضعیت تأهل زنان در میان اقوام گلستان تفاوت دارد.	۳۰

۳-۴- توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

در این بخش متغیرهای اصلی پژوهش که از ترکیب گویه‌های تحقیق ساخته شده است توصیف می‌گردد.

شاخص	ابعاد	میانگین از ۵	میانگین از ۱۰۰	انحراف معیار
اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۲,۲۹	۴۵,۸۸	۰,۸۲
	امنیت اجتماعی	۲,۷۴	۵۴,۸۱	۱,۱۸
	تفاهم اجتماعی	۳,۱۴	۶۲,۸۸	۱,۰۱
	توانمندسازی	۳,۴۱	۶۸,۲۱	۱,۰۵
	انعطاف‌پذیری	۳,۲۳	۶۴,۵۲	۰,۸۸
	استفاده از رسانه	۲,۱۹	۴۳,۷۳	۰,۹۸
	همبستگی اجتماعی	۲,۷۶	۵۵,۱۹	۰,۹۷
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳,۳۹	۶۷,۸۵	۱,۱۳
شاخص اجتماعی		۲,۹۰	۵۷,۹۸	۰,۶۷
فرهنگی	هنجار اجتماعی	۲,۹۵	۵۹,۰۹	۰,۹۹
	ارزش‌مندی فرهنگی	۳,۱۴	۶۲,۸۶	۱,۰۴
شاخص فرهنگی		۳,۰۵	۶۰,۹۷	۰,۹۷
ساختاری	بیگانگی	۲,۹۳	۵۸,۶۸	۰,۹۶
	بی‌قدرتی	۲,۳۹	۴۷,۸۵	۰,۷۹
	بی‌معنایی	۲,۹۵	۵۸,۹۹	۱,۰۳
شاخص ساختاری		۲,۷۵	۵۴,۹۲	۰,۶۰
شخصیتی	احساس تعلق	۳,۱۴	۶۲,۷۳	۱,۱۷
	آگاهی اجتماعی	۲,۶۵	۵۲,۹۲	۰,۶۸

۱,۲۸	۴۴,۷۴	۲,۲۴	عدالت اجتماعی	
۱,۳۵	۵۵,۵۱	۲,۷۸	آزادی	
۱,۱۷	۵۶,۷۸	۲,۸۴	انگیزه	
۱,۱۵	۴۹,۸۲	۲,۴۹	اثر بخشی	
۰,۶۳	۵۳,۵۱	۲,۶۸	شاخص شخصیتی	
۰,۷۵	۱۷,۲۰	۰,۸۶	مشارکت رسمی	مشارکت اجتماعی
۱,۱۲	۴۲,۳۸	۲,۱۲	مشارکت غیررسمی	
۰,۸۲	۲۶,۳۹	۱,۳۲	مشارکت اجتماعی	

بر اساس این جدول میزان شاخص اجتماعی ۵۷,۹۸ درصد، فرهنگی ۶۰,۹۷ درصد، ساختاری ۵۴,۹۲ درصد، شخصیتی ۵۳,۵۱ درصد و میزان مشارکت اجتماعی نیز ۲۶,۳۹ درصد است. بنابراین مشخص است که میزان بعد فرهنگی بیش از سایر ابعاد است.

نتیجه گیری

در ایران با وجود کاهش میزان بیسوادی زنان و افزایش چشمگیر حضور دختران در دانشگاه‌ها، نرخ بیکاری زنان جوان به مراتب بیش از مردان و طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۸۶ از ۲۹.۵ به ۴۲.۳ درصد افزایش یافته است. (داده های مرکز آمار ایران سال ۹۵). با وجود پیشرفت توانایی های زنان ایرانی در عرصه آموزش، آنان هنوز در تنگنای فرصت های اقتصادی و سیاسی برای مشارکت در عرصه های مختلف جامعه باقی مانده اند. این امر به تبدیل نشدن امکان ها و توانایی های زنان به کارکرد و نبود تعادل بین امکان ها و فرصت ها بعنوان دو کفه اساسی توسعه انسانی منجر شده و پیامد آن برای زنان، سرخوردگی و برای جامعه، نبود بازده سرمایه گذاری آموزشی زنان و جلوگیری از توسعه در بلند مدت است.

به رغم بیش از چند دهه بحث های عمیق و گسترده درباره مشارکت اجتماعی، به جرات می توان گفت که هنوز هیچ نظریه کاملی که به صورت روشن همه یا بیشتر متغیرهای مربوط به مشارکت به ویژه مشارکت اجتماعی زنان را دربرداشته باشد ارائه نشده است؛ زیرا مشارکت پدیده ای است که به تعداد زیادی از متغیرها، وابسته می باشد. البته این بدان معنی نیست که هیچ مدل ادراکی را نمی توان برای تبیین مشارکت ارائه نمود. لازمه ارائه مدل تحقیق از مشارکت اجتماعی آزمون نظری و تجربی رویکردهای مختلفی است که در زمینه مشارکت اجتماعی وجود دارد که با این کار، هم میزان انطباق این رویکردها با جامعه ایران مشخص می شود و هم خواهیم توانست شناخت نسبتا جامعی از موانعی که در مشارکت اجتماعی زنان تاثیرگذار می باشند، به دست آوریم. نمی توان تنها با مرور نرخ مشارکت زنان، به تصویر کامل و روشنی از سهم آنها در اقتصاد کشور دست یافت. در کنار نرخ مشارکت زنان، باید دید که وضعیت نسبی مشارکت آنها در مقابل مردان به چه صورت بوده است. نرخ مشارکت مردان در بازه ای که مرور شد- یعنی از سال ۷۵ تا ۹۷- به صورت کلی روندی صعودی داشته است، اما می توان گفت سرعت رشد نرخ مشارکت مردان کمتر از سرعت رشد نرخ مشارکت زنان بوده است؛ به طوری که در سال ابتدایی این بازه یعنی ۱۳۷۵ نرخ مشارکت مردان ۶۰ / ۸ درصد بوده است و طی روندی صعودی این نرخ در سال ۹۷ به ۶۴ / ۸ درصد رسیده است. البته باید به این نکته توجه داشت یکی از دلایل سرعت رشد مشارکت مردان، بالا بودن نرخ آنها به صورت مطلق است. حال می توان با مقایسه نسبت مشارکت مردان به زنان، توضیحی بهتر از مقایسه این دو گروه ارائه داد. شاخص «نسبت مشارکت اقتصادی مردان به زنان» طی این بازه روندی کاهشی داشته است؛ این موضوع نشان می دهد زنان توانسته اند حضور خود را در اقتصاد دیکته کنند. در حالی که در سال ۱۳۷۵ حضور مردان در اقتصاد بیش از ۶ برابر (۶ / ۷ برابر) حضور زنان بوده است، طی دو دهه این شاخص با روندی کاهشی به چهار برابر در سال ۹۷ رسیده است. از مهم ترین عواملی که در مورد افزایش مشارکت زنان در اقتصاد از آن یاد می شود، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش نرخ ورود زنان به تحصیلات ابتدایی و دانشگاه ها، ارتقای سطح استاندارد زندگی و درضمن نیاز به افزایش درآمدهای خانوار و تحولات فرهنگی و اجتماعی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخلاقی پور، منصور (۱۳۷۸). بررسی نگرش بومیان نسبت به غیر بومیان و تاثیر آن بر میزان مشارکت در شهرداری عباس، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- ازکیا، مصطفی و غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، فصل نامه نمایه پژوهشی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آبراهامز، ج. اچ (۱۳۶۹). مبانی رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، جلد اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۰). ایران بین دو انقلاب، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران: نشر مرکز.
- آزاد ارملی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی ایران، جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آلموند، گابریل و پاول، جی (۱۳۸۰). «مشارکت و حضور شهروندان»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۳-۱۶۴.
- بنی فاطمه، حسین و رسولی، زهره (۱۳۹۰). «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۱.
- بورديو، پیر (۱۹۸۸)، شکل های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیراز.
- بورديو، پیر (۱۳۹۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- پاتنام، روبرت (۱۹۹۲). دموکراسی و سنت های مدنی (تجربه ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.

پارسنز، تالکوت و همیلتون، پیتر (۱۹۸۳). **صاحب نظران جامعه شناسی**، ترجمه ثریا کامیار: تهران: انتشارات ثارالله.

پور رحیم، محمدرضا (۱۳۸۱). «مشارکت، توسعه و زمینه‌های گسترش مشارکت سیاسی»، **مجموعه مقالات دولت، مردم، همگرایی**، تدوین محسن مزدرو و اصغر رضوانی، تهران: نشر آثار.

راش، مایکل (۱۳۸۱). **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

رهنما، مجید (۱۳۷۷). **مشارکت، نگاهی نو به مفاهیم توسعه**، تهران: نشر مرکز.

صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۵). **تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایران، پژوهش زنان**، دوره ۲، شماره ۱.

مفتاح، محمد صالح (۱۳۸۷). «**رسانه‌ها و حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق ایران**»، **گواه**، تابستان و پاییز، شماره ۱۳.

نیاکانی فر، مهدی (۱۳۸۹). **مقایسه وضعیت مشارکت اجتماعی زنان دو نسل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

ب) منابع انگلیسی

Amstein, S. 1971 "A ladder of citizen participation" in the USA Journal of the Town Planning Institute, 54, 4; W I P 2007.

Amstein, Sherry (199۶) "A Ladder of Citizen Participation", AIP Journal, 216-224.

Axelrod, Morris (1950), Urban structure and participation, American Sociological Review, vol. 21. Issue 1.

Berton, Raymond.1997." Social Participation and Social Capital." Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.

Ciconine Elvira et al (2007) 'Social Participation, Sense of Community and Social Well Being: A Study on American, Italian and Iranian University Students, Springer Science Business Media B.V. pp97-112.

Davidson, s (1998), "Spinning the wheel of empowerment", planning, pp 14-15.

Evan, W. M. (1957): "Dimensions of Participation in Voluntary Associations". Social Forces, Vol. 36, No. 2 (Dec., 1957), pp. 148-153.

Everett, B. (2009), **Belonging: Social exclusion, social inclusion, personal safety and the experience of mental illness**, Copyright Mood Disorders Society of Canada.